بررسی و مقایسهٔ ارتباط بین مؤلفه‌های شخصیتی و راهبردهای مقابله در معتادان به تریاک ۳۰-۳۶ ساله

دکتر علیرضا جزایری[۱]
ذبیح‌اله جعفری زاده[۲]
عباس پور شهباز[۳]

چکیده:

این پژوهش در پی بررسی و مقایسه مؤلفه‌های شخصیتی و راهبردهای مقابله‌ای و همچنین بررسی ارتباط بین این دو در افراد معتاد به تریاک ۳۰ ـ ۳۶ است. برای این منظورگروه تحقیقی شامل ۵۰ نفر معتاد به تریاک با توجه به متغیرهای کنترل انتخاب و همین‌طور برای مقایسه نتایج، ۵۰ نفر را به عنوان گروه گواه انتخاب و با توجه به متغیرهای کنترل دو گروه با هم همتاسازی گروهی شدند. در این پژوهش از پرسشنامه پنج عامل شخصیت نئو (NEO-FFI) و چک لیست راهبردهای مقابله‌ای کارور و شیرر استفاده شد. همچنین برای کنترل اثر افسردگی و اضطراب بر مؤلفه‌های شخصیتی از دو آزمون افسردگی و اضطراب بک نیز استفاده شد. نتایج به دست آمده نیز حاکی از آن بود که افراد معتاد بدون احتساب اثر افسردگی و اضطراب از مؤلفهٔ شخصیتی عصبیت بالاتر و برونگرائی، توافق و وجدانی بودن کمتری برخوردار بودند، با احتساب افسردگی و اضطراب، نیز دو گروه فقط در مؤلفه وجدانی بودن با هم تفاوت معنادار داشته‌اند. همچنین معتادان از راهبردهای مقابله‌ای متمرکز بر مسأله کمتر و از راهبردهای کم اثر و غیر مؤثر بیشتر استفاده می‌کنند. راهبردهای غیر مؤثر با عصبیت نیز رابطه‌ای مستقیم داشتند و با وجدانی بودن رابطه‌ای معکوس نشان داده اند.

کلید واژگان: شخصیت، مقابله، معتاد

مقدمه:

شخصیت نقش تعیین کننده‌ای بر رفتار آشکار فرد دارد. شخصیت عبارت است از: " مجموعه سازمان یافته، واحد و متشکلی از خصوصیات نسبتاً ثابت و مداومی که بر روی‌هم یک شخص را از شخص یا اشخاص دیگر متمایز می‌کند" (براهنی، بیرشک

۱- استادیار گروه روانشناسي بالیني دانشگاه علوم بهزیستي و توانبخشي
۲- کارشناس ارشد روانشناسي بالیني
۳- مربي گروه روانشناسي بالیني دانشگاه علوم بهزیستي و توانبخشي

۱۳۷۷؛ سیاسی ۱۳۷۱؛ کریسنی[۴] ۱۹۹۹؛ هال و لیندزی[۱] ۱۹۹۶). تحقیقات زیادی نشان داده‌اند که معتادان غالباً دارای مشکلات جدی شخصیتی هستند (ساراسون، ۱۳۷۳، ترجمهٔ نجاریان و همکاران). این مشکلات می‌تواند ریشه در مؤلفه‌های بنیادین شخصیت داشته باشد. به همین خاطر بخش عظیمی از تحقیقات روی اعتیاد بر موضوع شخصیت افراد معتاد و مؤلفه شخصیتی آنها تمرکز دارد این تحقیقات از نظریه‌ها و الگوهای مختلف پیروی می‌کنند از جمله: پیروی از نظریهٔ آیزنگ و استفاده از پرسشنامهٔ او برای‌سنجش ویژگی‌های شخصیتی معتادان (به‌طور مثال رزنتال[۲]و همکاران ۱۹۹۰). از جدیدترین نظریه‌های شخصیت و الگوهای سنجش مؤلفه‌های شخصیتی، الگوی پنج عاملی است که بویژه با کارهای " کاستا" و "مک‌کری" شناخته شده است. پرسشنامهٔ معروف آنها آزمون نئواست که دو فرم بلند (NEO-PI-R) و فرم کوتاه (NEO-FFI) را شامل می‌شود. در حوزهٔ شخصیت معتادان نیز چند تحقیق در خارج از ایران براساس این الگو (با استفاده از پرسشنامه‌های فرم بلند و کوتاه) انجام شده است. از جمله " فیشر" و " الیاس[۳] " (۱۹۹۸) که عود را به عنوان برآیندی در عوامل شخصیتی مورد بررسی قرار داده‌اند در پی‌گیری یکساله‌شان مشخص شد که عودکنندگان در پرسشنامه نئو در حوزهٔ عصبیت صاحب نمرات بالا و در حوزهٔ وجدانی بودن دارای نمرات پایینی هستند. در تحقیقی دیگر که توسط "مان" و همکارانش (۱۹۹۵) بر روی ۴۰ نفر که سوء مصرف مواد داشته اند و با پرسشنامهٔ NEO-FFI انجام شد به این نتیجه رسیدند که معتادان در عصبیت و برونگرایی نمرات بیشتر و در توافق نمرات کمتری نسبت به گروه بهنجار به دست آوردند. " کوایرک" و "مک‌کرومیک[۴]" (۱۹۹۸) نیز در مطالعه‌ای بر روی جمعیتی بالغ بر ۳ هزار و پانصد نفر سوء مصرف کنندهٔ مواد درباره مؤلفه‌های شخصیتی و برخی متغیرهای دیگر یافتند که سوء مصرف‌کنندگان مواد به

---

٤ -Corsini
۱-Hall & Iindzy
۲- Rozental
۳- Fisher & Elias
٤- Quirk & McCromick

طور معناداری نمرات بیشتری در عصبیت و نمرات کمتری در مقیاس‌های وجدانی بودن و توافق نسبت به گروه بهنجار در آزمون NEO-PI-R به‌دست آوردند.

در ایران تحقیقات زیادی در خصوص مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شخصیتی انجام نشده است. از جمله معدود تحقیقات، کارهای دکتر ولی‌الله اخوت (۱۳۵۴)، خدیوی (۱۳۷۶)، و بید برگ‌نیا (۱۳۷۷) بوده است؛ اما، هیچکدام از این تحقیقات براساس الگوی پنج عاملی نبوده است. به همین لحاظ، از یک سو تحقیق حاضر به دنبال سنجش مؤلفه‌های شخصیتی در جامعه ایرانی (با توجه به الگوی پنج عاملی) است و از سوی دیگر در اکثر تحقیقات انجام شده، چه در خارج و چه در ایران مؤلفه‌های شخصیتی معتادان درگروه‌های مختلف سوء مصرف کننده مواد به طور مجزا مورد ارزیابی قرار نگرفته است. این پژوهش، معتادان مورد مطالعه خود را به افراد وابسته به تریاک محدود کرده است تا به طور اختصاصی مؤلفه‌های شخصیتی این افراد را مورد بررسی قراردهد و به عنوان یکی از فرضیه‌های اصلی خود(فرضیهٔ اول) ، مؤلفه‌های شخصیتی افراد معتاد به تریاک را متفاوت از افراد دیگر بررسی کند.

در دههٔ۸۰ ساختاری که " مقابله" نام گرفت وارد ادبیات روان‌شناسی شده‌است (بیلینگر و موس[1] ۱۹۸۱ به نقل از حدیدی ۱۳۷۶) و به عنوان عاملی که در ارتباط بین فشار روانی و اختلالات جسمی یا روانی میانجیگری می‌کند، مورد توجه بسیار بوده است.

فلکمن و لازاروس[2] (۱۹۹۱) "مقابله" را تلاش‌های شناختی و رفتاری فرد برای غلبه پیدا کردن بر تنیدگی و تحمل کردن یا به حداقل رساندن اثر آن می‌دانند. در سنجش راهبردها و مهارت‌های مقابله‌ای، مسال‌های که مطرح است نبود الگوی واحدی در تلقی راهبردها و مهارت‌های مقابله‌ای است و این که الگوهای مختلفی و براساس آنها ابزار زیادی مطرح هستند. در حوزهٔ اعتیاد نیز مقابله‌های معتادان در تحقیقات مختلف داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهشی به منظور بررسی پاسخ‌های مقابله‌ای مصرف مجدد مواد در بین نوجوانان، توانمندی مقابله‌ای ضعیف‌تر با استرس

۱-Bilinger & Moos
۲-Folcman & Lazarus

(مانند استفاده کم از حل مسأله و راهبردهای غیر مؤثر) با میزان بیشتری از عود ارتباط داشته است (مایزر و براون[1] ۱۹۹۰ به نقل از حاجی‌پور ۱۳۸۱). "گورمن" و "رونی" (۱۹۸۹). برای مشخص کردن راهبردهای مقابله با فشار روانی معتادان و خانواده‌هایشان، در نتایج خود به این اشاره دارند که معتادان از سبک‌های مقابله‌ای متفاوتی استفاده می‌کنند و رایج‌ترین سبک مقابله، شیوهٔ غیر مؤثر اجتناب رفتاری بوده است. (به نقل از سموعی ۱۳۷۸). در بررسی کوایرک و همکاران (۱۹۹۸) بیشتر مصرف‌کنندگان مواد، دارای راهبردهای مقابله‌ای غیر انطباقی گزارش شده‌اند. در بررسی ابراهیمی و موسوی (۱۳۷۸) الگوی مقابله با استرس معتادان خود معرف با الگوی مقابله گروه گواه دارای تفاوت معناداری گزارش شده است همچنین، طوفانی و جوانبخت (۱۳۸۰) در پی بررسی خود گزارش کرده‌اند که معتادان از راهبردهای مقابله حل مسال‌های، ارزیابی شناختی و جلب حمایت اجتماعی کمتر و از راهبردهای مقابلهٔ جسمانی کردن و مهار هیجانی بیشتر استفاده می‌کنند. حاجی‌پور (۱۳۸۱) در بررسی خود بر روی گروهی از معتادان مواد افیونی نشان داد که آنان در مقایسه با افراد سالم نگرش‌های ناکارآمد بیشتری داشته و از راهبردهای مقابله‌ای مبتنی بر هیجان و مهار جسمانی بیشتر استفاده می‌کنند.

در بررسی‌هایی که در ایران انجام شده اکثراً از پرسشنامه‌های هنجاریابی نشده استفاده شده است که غالباً ترجمه‌ای صرف از پرسشنامه‌های رایج در کشورهای دیگر بویژه آمریکا بوده است. پژوهش حاضر با استفاده از پرسشنامه‌ای که با توجه به فرهنگ و هنجارهای ایرانی ترجمه و مورد تجدیدنظر قرار گرفته است راهبردهای مقابله‌ای افراد معتاد به تریاک را مورد بررسی قرار می‌دهد و به عنوان یکی دیگر از فرضیه‌های اصلی خود (فرضیهٔ دوم). فرض می‌کند که افراد معتاد به تریاک در میزان استفاده از راهبردهای مقابله‌ای با افراد دیگر متفاوت هستند و سعی در آزمون این فرضیه داشته است.

۳-Myser & Brown

در بیشتر اوقات مطالعه "مقابله" به ندرت از مطالعه "تفاوت‌های فردی" جدا بوده است (سولز و همکاران ۱۹۹۶). گروه کثیری از تحقیقات در پی روشن کردن نقش مؤلفه‌های شخصیتی و راهبردهای مقابله‌ای در ارتباط با هم در جمعیت‌های بالینی و بهنجار بوده‌اند و پژوهش های صورت گرفته در این زمینه اصولاً براساس سه الگو بوده است؛ در الگوی اول که الگوی واسطه‌ای است، فرض می‌شود که شخصیت تعیین کننده راهبردهای مقابله‌ای است (به طور مثال اندلر و پارکر ۱۹۹ به نقل از زدنر و اندلر ۱۹۹۶).

الگوی دوم که اضافی نام دارد، بیان می‌دارد که شخصیت و مقابله به طور مستقل و جداگانه در شکل‌گیری ناسازگاری سهیم هستند (برای مثال پارکر ۱۹۸۶ به نقل از زدنر و اندلر). الگو آخر که الگو تعاملی است نیز بیان می‌دارد که متغیرهای شخصیتی معینی با متغیرهای مقابله برای ایجاد و تداوم ناسازگاری دخیل‌اند (برای مثال ویتون ۱۹۸۳ به نقل از زدنر و اندلر ۱۹۹۵). این پژوهش بر اساس الگوی اول، یعنی الگوی واسطه‌ای است و درباره ارتباط بین مؤلفه‌های شخصیتی و مقابله در اعتیاد (تنها پژوهشی که در ادبیات پژوهشی یافت می‌شود)، پژوهش مک‌کرومیک و همکارانش (۱۹۹۸) است؛ آنها یافتند که مؤلفه شخصیتی عصبیت به‌طور معناداری با سبک مقابله فرار و اجتناب مرتبط بود، توافق با سبک مقابله‌ای مواجهه ارتباط منفی داشت (۰/۲۸- =r)، وجدانی بودن نیز با حل مشکل ارتباط منفی داشت (r = -۰/۲۷) و همین‌طور به طور منفی با فرار و اجتناب مرتبط بود (r = -۰/۲۹). عصبیت نیز در حد بالایی با سبک مقابله فرار و اجتناب مرتبط بود. بجز این چند پژوهش ذکر شده در ایران و خارج، پژوهش دیگری در این زمینه یافت نمی‌شود. در پژوهش حاضر، فرضیه‌هایی را درباره ارتباط بین مؤلفه‌های شخصیتی و راهبردهای مقابله‌ای طرح‌ریزی کرده‌ایم و در پی بررسی و آزمون آنها بوده‌ایم. این فرضیه‌ها عبارتند از:

۱ـ مؤلفهٔ شخصیتی عصبیت با میزان استفاده از راهبردهای مقابله‌ای غیر مؤثر ارتباط مستقیمی دارد.

۲ـ مؤلفهٔ شخصیتی عصبیت با میزان استفاده از راهبردهای مقابله‌ای متمرکز بر هیجان رابطهٔ مستقیمی دارد.

۳ـ مؤلفهٔ شخصیتی برونگرایی با میزان استفاده از راهبردهای مقابله‌ای غیر مؤثر رابطهٔ معکوس دارد.

۴ـ مؤلفهٔ شخصیتی برونگرایی با میزان استفاده از راهبرد مقابله‌ای متمرکز بر مسال‌های رابطه مستقیم دارد.

۵ـ مؤلفهٔ شخصیتی وجدانی بودن با میزان استفاده از راهبردهای مقابله‌ای غیر مؤثر رابطهٔ معکوس دارد.

۶ـ مؤلفهٔ شخصیتی توافق با میزان استفاده از راهبردهای مقابله‌ای غیر مؤثر رابطهٔ معکوس دارد.

روش پژوهش:

در این پژوهش که یک بررسی پس رویدادی است از دو گروه به عنوان گروه‌های مورد مطالعه استفاده شد و نتایج آنها مورد مقایسه قرارگرفت نمونهٔ بالینی پژوهش حاضر را ۵۰ نفر مرد ۳۰ ـ۳۶ ساله تشکیل داده‌اند که برای اولین بار به مراکز خودمعرف ترک اعتیاد شهر تهران مراجعه کرده بودند. این افراد با تحصیلات حداقل پنجم ابتدایی بین ۱ (حداقل) و ۵ سال (حداکثر) سابقهٔ وابستگی به تریاک داشتند. نمونه‌گیری نیز به روش نمونه های در دسترس از بین افرادی که حداقل ۷۲ ساعت از آخرین مصرف آنها گذشته بود، صورت گرفت. گروه گواه نیز شامل ۵۰ نفر مرد غیر معتاد بود که از روی آدرس محل سکونت افراد گروه معتاد به طور تصادفی انتخاب شدند به این صورت که ساکنین صاحب پلاک‌های فرد جنب آدرس افراد گروه معتاد که واجد شرایط بوده‌اند و همچنین در پرسشنامه سابقهٔ سوء مصرف مواد هیچ نمره‌ای کسب نمی‌کردند به عنوان افراد غیر معتاد انتخاب می‌شدند. در نهایت، هر دو گروه براساس متغیرهای تحصیلات، سن، شغل و سطح درآمد همتاسازی گروهی شدند.

ابزار مورد استفاده در این پژوهش شامل دو پرسشنامهٔ اصلی بود که یکی از آنها آزمون پنج عامل شخصیت نئو (NEO-FFI)[۱] بود این آزمون فرم کوتاهی از آزمون شخصیت نئو

۱-Neuroticism, Extraversion, opended-Five Factory Inventory (NEO-FFI)

(NEO-PI-R) است که برای اندازه‌گیری سریع، پایا و معتبری از سنجش صرفاً پنج عامل اصلی شخصیت افراد بزرگسال تهیه شده است. این پنج عامل عبارتند از : ۱ـ عصبیت[۱] ۲ـ برونگرایی[۲] ۳ـ انعطاف‌پذیری[۳] ۴ـ توافق[۴] و ۵ـ وجدانی بودن[۵]. این فرم کوتاه نیز توسط پدیدآورندگان فرم بزرگ نئو، یعنی کاستا و مک‌کری[۶] (۱۹۸۹) تهیه شده است. که ۶۰ عبارت دارد و آزمودنی‌ها پاسخ موردنظر خود را برای هر عبارت در مقیاسی پنج گزینه‌ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم کاملاً موافقم)، ارائه می‌کنند.

دامنهٔ نمرات برای هر مقیاس صفر تا ۴۸ است و مقیاس‌های پرسشنامه همبستگی ۰/۸۷ تا ۰/۹۴ با پاسخ مقیاس اصلی فرم بزرگ پرسشنامه دارد همین‌طور، مقادیر پایانی آنها از ۰/۷۴ تا ۰/۸۹ برآورد شده است (کاستا و مک‌کری،۱۹۹۲؛ به نقل از حق‌شناس ۱۳۷۸). هر چند در ایران هنوز پژوهشی بر روی فرم کوتاه آزمون صورت نگرفته است با وجود این در پژوهش حاضر ضریب پایایی مقیاس‌ها از طریق روش نصنیف مورد آزمون قرار گرفت که برای پنج مقیاس از ۰/۷۱ تا ۰/۸۵ بود.

پرسشنامهٔ اصلی دیگر، چک لیست راهبردهای مقابله‌ای "کارور "، "شیرر" و "وینتراب" (۱۹۸۹) بود. این پرسشنامه ۴ دسته از راهبردهای مقابله‌ای را می‌سنجد که عبارتند از: راهبردهای متمرکز بر مسأله، متمرکز بر هیجان، کم‌اثر و غیر مؤثر. هر دسته نیز دارای مقیاس‌هایی هستند که مجموعاً ۱۸ مقیاس را در بر می‌گیرد. دامنهٔ نمره برای هر دسته، در راهبردهای کم اثر صفر تا ۱۲ و در بقیه صفر تا۲۰ است. (ابراهیمی، محمدخانی و ذوالفقاری، ۱۳۷۱). اعتبار و پایانی این آزمون را پس از ترجمه و تجدید نظر مورد بررسی قرار دادند که اعتبار آن توسط ۴ دکتر روان‌سنج مورد تأیید قرارگرفت. همچنین

۲-Neuroticism
۳-Extraversim
٤-opended
٥-aggrebleness
٦-Conscientiosness
۷-Carrer, shiere & Weint rab

ضریب پایانی مقیاس‌ها از طریق روش بازآزمایی اندازه‌گیری شد که از ۰/۶۳ تا ۰/۹۵ بود (شاه‌محمدی، ۱۳۷۵).

در این پژوهش از دو آزمون افسردگی و اضطراب بک نیز استفاده شد تا افسردگی و اضطراب آزمودنی‌ها را در حین اجرای پژوهش اندازه‌گیری کند و اثر آنها را بر روی نتایج آزمون شخصیت (از طریق انجام روش آماری کوواریانس) خنثی کند.

یافته‌های پژوهش:

در این پژوهش، بعد از گردآوری و استخراج داده‌ها، نتایج با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. نتایج در جداول شمارهٔ ۱ و ۲ ارائه شده است.

همان‌طوری‌که در جدول شمارهٔ ۱ ملاحظه می‌شود نتایج آزمون پنج عامل شخصیت (NEO-FFI) حاکی از آن است که میانگین افراد معتاد به تریاک در مؤلفه‌های شخصیتی متفاوت از میانگین افراد گروه گواه است. تفاوت میانگین‌ها با استفاده از آزمون t مورد بررسی قرار گرفت که بجز در مقیاس انعطاف‌پذیری (p = ۰/۴۳ و ۰/۷۷= t) در بقیه مقیاس‌ها در دو سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ تفاوت دو گروه با هم معنادار بود. بدین معنی که افراد معتاد به تریاک در مؤلفهٔ عصبیت نمرات بیشتر و در مؤلفه‌های برونگرایی، توافق و وجدانی بودن، نمرات کمتری نسبت به گروه گواه کسب کرده‌اند.

جدول شماره (۱)

مؤلفه‌های شخصیتی	گروه‌ها	میانگین M	انحراف استاندارد	مقدار t	درجات آزادی	P	مقدار f	P
عصبیت (N)	معتاد n=۵۰	۲۵/۱۲	۷/۳۹	۶/۰۵	۹۸	۰/۰۰	۲/۶۹	-/۱۰
برونگرایی (E)	غیرمعتاد n=۵۰	۱۵/۷۸	۸					
انعطاف‌پذیری (O)	معتاد n=۵۰	۲۶/۰۴	۵/۹۹	-۴/۲۸	۹۸	۰/۰۰	۳/۲۹	۰/۰۷
	غیر معتاد n=۵۰	۳۰/۹۸	۵/۵۲					
توافق (A)	معتاد n=۵۰	۲۵/۴	۴/۴۹	-۰/۷۷	۹۸	۰/۴۳۸	۰/۰۴	۰/۸۳
	غیر معتاد n=۵۰	۲۶/۱۸	۵/۴۷					
وجدانی بودن	معتاد n=۵۰	۳۰/۵۸	۴/۸۵	-۳/۷۵	۹۸	۰/۰۰	۳/۲۱	۰/۰۷
	غیر معتاد n=۵۰	۳۴/۴۶	۵/۴۵					
	معتاد n=۵۰	۳۱/۸۸	۶/۶۵	-۵/۰۲	۹۸	۰/۰۰	۵/۲۶	۰/۰۲
	غیر معتاد n=۵	۳۷/۳۲	۵/۵۰					

در مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری نیز با وجود کمتر بودن نمرات گروه معتاد به تریاک نسبت به گروه گواه، این تفاوت از نظر آماری معنادار نبود؛ البته، این نتایج بدون احتساب نمرات افسردگی و اضطراب است با احتساب نمرات آزمون‌های افسردگی و اضطراب برای خنثی کردن اثر آنها بر نتایج آزمون شخصیت از روش آماری کوواریانس استفاده شد. همان‌طوری که در جدول شماره یک ملاحظه می‌شود، نتایج حاکی از آن است که دو گروه تنها در مؤلفه وجدانی بودن با هم تفاوت معنادار دارند. در بقیهٔ مؤلفه‌ها با احتساب نمرات افسردگی و اضطراب، دو گروه با هم تفاوت معناداری نداشته است و در

مقیاس وجدانی بودن، تفاوت دو گروه با سطح اطمینان ۰/۰۵معنادار به‌دست آمد. بدین معنی که افراد معتاد به تریاک از وجدانی بودن کمتری نسبت به گروه غیر معتاد برخوردار بودند.

درباره فرضیهٔ دوم نیز نتایج درج شده در جدول شماره دو نشان می‌دهند که میانگین گروه معتاد به تریاک در هر چهار دسته راهبردهای مقابله‌ای، با میانگین گروه گواه متفاوت بود؛ این تفاوت با استفاده از آزمون t مورد آزمون قرار گرفت که بجز در دسته راهبردهای "متمرکز بر هیجان"، در سه دستهٔ دیگر از نظر آماری تفاوت دو گروه در دو سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنادار بود. بدین معنی که گروه معتاد به تریاک در مقایسه با گروه گواه از راهبردهای مقابله‌ای متمرکز بر مسأله کمتر و از راهبردهای کم اثر و غیر مؤثر بیشتر استفاده می‌کنند.

فرضیه‌های۳ تا ۸، یعنی فرضیه‌هایی که مربوط به ارتباط بین مؤلفه‌های شخصیتی و راهبردهای مقابله‌ای است نیز ارتباط بین دو گروه را با استفاده از روش همبستگی پیرسون مورد آزمون قرار داد که نتایج زیر به دست آمد:

در فرضیهٔ سوم که فرض شده بود مؤلفهٔ شخصیتی عصبیت با میزان استفاده از راهبردهای غیر مؤثر رابطهٔ مستقیم دارد، همبستگی بین دو متغیر به طور کلی (۲=۰/۹۶ $_p$ =۰۰/۰۰) بود که در دو سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنادار بود، این همبستگی در گروه معتاد به تریاک (۲=۰/۷۲$_p$ =۰۰/۰۰)

جدول شماره (۲)

راهبردهای مقابله‌ای	گروه ها	میانگین M	انحراف استاندارد SD	مقدار t	درجات آزادی	P
متمرکز بر مسأله	معتاد n=۵۰	۱۵/۱۲	۳/۴۹	-۳/۹۶	۹۸	۰/۰۰
	غیرمعتاد n=۵۰	۱۷/۵۸	۲/۶۴			
متمرکز بر هیجان	معتاد n=۵۰	۱۳/۴۰	۲/۹۷	-/۱۶	۹۸	۰/۸۷
	غیرمعتاد n=۵۰	۱۳/۱۲	۳/۲۶			
کم اثر	معتاد n=۵۰	۶/۴۱	۲/۵۱	۴/۳۵	۹۸	۰/۰۰
	غیرمعتاد n=۵۰	۴/۳۰	۲/۳۳			
غیر مؤثر	معتاد n=۵۰	۱۰/۵۴	۴/۰۹	۵/۲۱	۹۸	۰/۰۰

	غیرمعتاد n=۵۰	۶/۵۴	۳/۷۱			

و در گروه گواه (r=۰/۳۹p =۰/۰۰۵) بود که در هر گروه ارتباط بین دو متغیـر در هـر دو سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنادار بود، اما این همبستگی و ارتباط در گروه معتاد به تریـاک بسیار بیشتر از گروه گواه بود. بدین معنی که در افراد معتاد به تریاک با بالا رفتن نمـرۀ مؤلفۀ شخصیتی "عصبیت"، میزان استفاده از راهبردهای غیر مؤثر نسبت بـه افـراد غیـر معتادی که نمرۀ عصبیت آنها بالاست بیشتر می‌شود.

در فرضیۀ چهارم که فرض شده بود: مؤلفۀ شخصیتی "عصـبیت" بـا میـزان اسـتفاده از راهبردهای مقابله‌ای"متمرکز بر هیجان" رابطۀ مستقیم دارد، همبستگی بـین دو متغیـر به طور کلی (r=۱۷ r=۰/۰۸) بود که از نظر آماری معنادار نبود این همبستگی در گروه معتاد به تریاک نیز (r=۰/۰۲ p=۰/۸۷) بود که از نظر آماری معنادار نبود. اما در گـروه گـواه (r=۰/۳۷ p=۰/۰۰) بـود کـه از نظـر آمـاری در دو سـطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنادار بود. بدین ترتیب، به این نتیجه می‌رسیم که بالا رفتن نمـرۀ مؤلفـۀ شخصـیتی عصبیت در افراد معتاد به تریاک با افزایش استفاده از راهبردهای مقابله‌ای "متمرکـز بـر هیجان" همراه نیست اما در افراد غیرمعتاد هر چه مؤلفه شخصیتی "عصبیت بالاتر" رود میزان استفاده از راهبردهای مذکور نیز افزایش می‌یابد.

در فرضیۀ پنجم فرض شده است که مؤلفۀ شخصـیتی برونگرایـی بـا میـزان اسـتفاده از "راهبردهای مقابله‌ای" غیر مؤثر" رابطۀ معکوس دارد. همبستگی بین این دو متغیـر بـه طـورکلی (r=-/۲۸ p=۰/۰۰۵) بـود کـه در دو سـطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنـاداری نشـان مـی‌دهـد. ایـن همبسـتگی در گـروه معتـادان(r=-/۱۴ p=۰/۳۱) بـود و در گـروه گـواه (r= -/۰۸p=۰/۵۴) را نشان می‌داد که در هر گروه همبستگی معنـادار نبـود. در نتیجـه، رابطۀ پیش‌بینی شده در فرضیه در افراد معتاد و غیرمعتاد به طور مجزا معنـادار نیسـت. یعنی با بالا رفتن برونگرایی میـزان اسـتفاده از راهبردهـای مقابلـه‌ای غیـر مـؤثر کمتـر نمی‌شود.

در فرضیۀ ششم که فرض شده بود مؤلفۀ شخصیتی برونگرایی با میزان استفاده از راهبردهای مقابله‌ای متمرکز بر مسأله رابطۀ مستقیم دارد همبسـتگی بـین دو متغیـر

به طور کلی (r=۰/۲۹ p=۰/۰۰۳) را نشان می‌داد که در دو سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنادار بود. این همبستگی در گروه معتاد به تریاک (r=۱۷ p=۰/۲۲) و در گروه گواه (r=۱۷ p=۰/۲۳) بود که در هیچ یک از دو گروه تفاوت معنادار دیده نشد. یعنی با بالا رفتن برونگرایی، میزان استفاده از راهبردهای مقابله‌ای متمرکز بر مسأله بیشتر نمی‌شود. در فرضیهٔ هفتم نیز فرض شده بود که مؤلفهٔ شخصیتی "وجدانی بودن" با میزان استفاده از راهبردهای مقابله‌ای "غیر مؤثر" رابطهٔ معکوس دارد. همبستگی بین این دو متغیر به طور کلی (r=۰/۳۴ p=۰/۰۰) بود که در دو سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معناداری را نشان می دهد. این همبستگی در گروه معتاد به تریاک (r=۰/۳۲ p=۰/۰۲) بود که از نظر آماری در سطح ۰/۰۵ معنادار است و همبستگی در گروه گواه (p=۰/۸۰ r=۰/۰۳) بود که از نظر آماری معنادار نبود. پس، رابطهٔ پیش‌بینی شده در فرضیه هفتم در افراد معتاد به تریاک معنادار و در افراد غیر معتاد به دست نیامد. بدین معنی که افراد معتاد به تریاک در مقایسه با افراد غیر معتاد هنگام بالا رفتن نمرهٔ مؤلفه شخصیت "وجدانی بودن" در آنها میزان استفاده از راهبردهای مقابله‌ای "غیر مؤثر" رابطهٔ معکوس دارد. به طور کلی همبستگی بین این دو متغیر نیز (r=۰/۳۱ p=۰۰/۰۰) بود که از نظر آماری در دو سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ بیانگر معناداری است. این همبستگی در گروه معتاد به تریاک (r=-/۲۳ p=۰/۱۰) و درگروه گواه (r=۰/۱۳ p=۰/۳۴) بود که در هیچ یک از دو گروه معناداری نشان نمی‌دهد. در نتیجه، در افراد معتاد به تریاک و غیرمعتاد پیش‌بینی ما مورد تأیید قرار نگرفت؛ یعنی لزوماً در افراد معتاد به تریاک و غیر معتاد با بالا رفتن نمرهٔ فرد در مؤلفهٔ شخصیتی "توافق" میزان استفاده از راهبردهای مقابله‌ای "غیر مؤثر" کاهش نمی‌یابد.

بحث در نتایج:

همان‌گونه که ملاحظه شد، در بررسی نتایج مؤلفه‌های شخصیتی، نیمرخ دو گروه بدون احتساب نمرات افسردگی و اضطراب جز در مؤلفهٔ "انعطاف‌پذیری" با هم تفاوت معناداری داشت. نتایج این مطالعه را جز در مؤلفهٔ "برونگرایی" تحقیقات قبلی (رزنتال و

همکاران، ۱۹۹۰، مان و همکاران، ۱۹۹۵، کوایرک و مک‌کرومیک، ۱۹۹۸ و فیشر و الیاس، ۱۹۹۸) مورد حمایت قرار می‌دهند. در مؤلفهٔ "برونگرایی" نتایج این تحقیق حاکی از این است که افراد معتاد به تریاک برونگرایی کمتری نسبت به گروه گواه دارند این یافته را پژوهش رزنتال و همکاران(۱۹۹۵) مورد حمایت قرار می‌دهد؛ اما پژوهش‌های کوایرک و مک‌کرومیک (۱۹۹۸) مان و همکاران(۱۹۹۵) و فیشر و الیاس ۱۹۹۸ از آن حمایت نمی‌کنند. به نظر می‌رسد این تضاد در نتایج با اکثر یافته‌های قبلی، ناشی از چند نکته باشد، یکی ابزار مورد استفاده است، برخی از این پژوهش‌ها توسط فرم بزرگ آزمون نئو انجام شده است که خواه ناخواه با فرم کوتاه آن تفاوت دارد. نکتهٔ دیگر حجم نمونه‌هاست؛ حجم نمونه در این مطالعه با توجه به محدودیت‌های مطالعه کم بوده است، اما در مطالعات دیگر غالباً این‌گونه نبوده، مثلاً کوایرک و مک‌کرومیک (۱۹۹۸) حدود ۳۵۰۰ نفر معتاد را مورد بررسی قرار داده‌اند. از سوی دیگر، نمونه مورد مطالعه این تحقیقات صرفاً مربوط به سوء مصرف‌کنندگان به یک ماده نبوده و از گروه‌های مختلف معتادان بوده است. در حالی که نمونه پژوهش حاضر را فقط افراد معتاد به تریاک تشکیل داده‌اند. نکته دیگر که به نظر می‌رسد می‌تواند تا حدی این تفاوت را توجیه کند، این است که اکثر پژوهش‌هایی که ذکر شده در دیگر کشورها (بویژه در آمریکا) انجام شده است از لحاظ فرهنگی با ایران متفاوتند و این تفاوت فرهنگی می‌تواند بر روی نتایج مؤثر باشد. همان‌طوری‌که ملاحظه شد با احتساب نمرات افسردگی و اضطراب تفاوت دو گروه تنها در مؤلفه وجدانی بودن معنادار بود این یافته با نتایج اکثر پژوهش‌های دیگر (مؤلفه‌های دیگر بجز در مؤلفه وجدانی بودن) در تضاد است. این تضاد می‌تواند حاکی از اثر افسردگی و اضطراب باشد که در هیچ‌کدام از پژوهش‌های دیگر این تأثیرات اندازه‌گیری و خنثی نشده‌اند. در واقع، این یافته می‌تواند حاکی از ارتباط نزدیک بین مؤلفه‌های "شخصیتی" (احتمالاً بجز انعطاف‌پذیری و وجدانی بودن) با افسردگی و اضطراب باشد؛ یعنی شاخص‌های این مؤلفه در تقابل نزدیکی با افسردگی و اضطراب باشد البته احتمالاً اگر تعداد نمونه‌ها بیشتر می‌شود این اثرات کمتر می‌شود که این مسأله قابل مطالعه است.

در بررسی میزان استفاده از راهبردهای مقابله‌ای، نتایج حاکی از تفاوت کلی معتادان به تریاک با افراد غیرمعتاد است که این یافته‌ها با یافته‌های قبلی (مایزر و براون، ۱۹۹۰؛ سیمون و رابرتسون، ۱۹۸۹؛ گورمن و رونی؛ کوریک و همکاران، ۱۹۹۸؛ ابراهیمی و موسوی، ۱۳۷۸؛ طوفانی و جوانبخت، ۱۳۸۰؛ حاجی‌پور، ۱۳۸۱) همخوان است. اما همان‌طوری‌که قبلاً اشاره شد. الگوی مطالعه سنجش مقابله الگوی واحدی نیست و تلقی‌های بسیاری از راهبردهای مقابله صورت گرفته است این مسأله مقایسه‌ریز نتایج بین پژوهش‌ها را دچار مشکل می‌سازد. هر چند، به‌طور کلی همهٔ پژوهش‌ها حاکی از تفاوت معتادان در استفاده از راهبردهای مقابله با افراد غیرمعتاد است اما با وجود این، درباره راهبردهای "متمرکز بر مسأله" اکثر قریب به اتفاق پژوهش‌ها برتفاوت افراد معتاد با غیرمعتاد ــ مبنی بر استفاده کمتر معتادان از این راهبردها ـ صحه می‌گذارد که همسو با نتایج پژوهش‌ها و تأیید کننده آنها است. در حالی که در میزان استفاده از راهبردهای "متمرکز بر هیجان"، نتایج حاضر مبنی بر عدم تفاوت بین افراد معتاد به تریاک و غیرمعتاد در استفاده از این راهبردها (همسو با اکثر پژوهش‌های قبلی) نیست؛ این یافته از چند زاویه می‌تواند قابل بررسی باشد، یکی این‌که تفاوت بین دو گروه در این تحقیق هر چند معنادار نیست ولی همسو با نتایج مطالعات دیگر است. یعنی معتادان از این راهبردها بیشتر استفاده می‌کنند که ممکن است از حجم کم نمونه‌ها ناشی باشد. دیگر این‌که افراد معتاد در این تحقیق را فقط معتادان به تریاک تشکیل داده‌اند. امری که در اکثر پژوهش‌های قبلی انجام نشده و معتادان مورد مطالعه را مصرف‌کنندگان انواع مواد تشکیل داده است. در آخر شاید بر اساس نتایج حاضر بتوان گفت که چرا افراد معتاد به تریاک در برخورد با موقعیت‌های فشارزا، هیجانی برخورد نمی‌کنند. به عبارت دیگر، استفاده از ماده به عنوان یک مکانیسم دفاعی برای تخلیهٔ هیجانات بوده‌است و اگر این مسأله در افرادی که ترک کرده‌اند یا در بهبودی بسر می‌برند انجام شود، نتایج متفاوت‌تری ممکن‌است را در بر داشته باشد. در باره دو دسته راهبردهای مقابله‌ای دیگر یعنی راهبردهای "کم اثر" و "غیر مؤثر" نیز به طور کلی برخی از پژوهش‌های قبلی که با الگویی نسبتاً مشابه الگوی مطالعه حاضر، به بررسی مقابله در معتادان پرداخته‌اند، این یافته پژوهشی (مبنی بر استفادهٔ بیشتر معتادان از

این راهبردها) را مورد حمایت قرار می‌دهند (مایزر و براون، ۱۹۹۰؛ سیمون و رابرتسون، ۱۹۸۹ ؛ کوریک و همکاران، ۱۹۹۸).

در باره ارتباط بین مؤلفه‌های شخصیتی و راهبردهای مقابله‌ای، یافته‌ها حـاکی از آن است که راهبردهای "غیر مؤثر" با مؤلفـهٔ "عصـبیت" رابطـهٔ مسـتقیم و بـا مؤلفـهٔ "وجدانی بودن" رابطهٔ معکوس دارد. این یافته تا حدودی با یافته مک‌کرومیـک (۱۹۹۸) همسو است؛ اما، دربارهٔ ارتباط بین مؤلفه‌های شخصیتی و راهبردهای مقابله‌ای دیگـر بـا هم، هر چند بین برخـی از آنهـا همبسـتگی وجـود داشـت و جهـت آن نیـز همسـو بـا فرضیه‌های پژوهش بود، اما همبستگی معناداری دیده نشد (که ممکـن اسـت ایـن امـر ناشی از حجم کم نمونه‌های تحقیقی بوده باشد). به نظر مـی‌رسـد بررسـی رابطـه بـین مؤلفه‌های شخصیتی و راهبردهای مقابله‌ای نیاز به نمونه‌هایی با حجـم بیشـتر دارد کـه اگر این امر محقق شود حتی می‌توان از روش‌های آماری پیشرفته‌تر نیز بهره گرفت.

در نهایت می‌توان این نتیجه را گرفت که پژوهش حاضر می‌تواند راهگشای پژوهش‌هـای بعدی در زمینه بررسی ارتباط بـین مؤلفـه‌هـای شخصـیتی و مقابلـه‌ای باشـد. بررسـی مؤلفه‌های شخصیتی این پژوهش نیز اهمیت اثـرات افسـردگی و اضـطراب را بـر نتـایج آزمون شخصیت نشان می دهند که این مسأله می‌تواند مورد بررسی بیشتر قـرار گیـرد. همچنین، پژوهش ما باز هم اهمیت راهبردهای مقابلـه‌ای را متـذکر مـی‌شـود و تفـاوت معتادان را با دیگر افراد نشان می‌دهد و استفاده از این یافته را برای بررسی‌های مبتنـی بر پیشگیری پیشنهاد می‌کند.

از محدودیت‌های این مطالعه نیز حجم کم نمونه‌ها بـود. بـه نظـر مـی‌رسـد در مطالعات آتی با رفع این محدودیت بتوان نتایج تعمیم پذیرتر و دقیق‌تـری را بـه دسـت آورد. محدودیت‌های دیگر، نمونه‌های تحقیق (معتادان خود معرف) است کـه نمـی‌توانـد معرف همه معتادان به تریاک باشد. امید می رود با انجام روش‌های دقیق‌تر نمونه‌گیری، این نقیصه که در اکثر مطالعات حوزهٔ اعتیاد وجود دارد برطرف شود.مشابه این بررسی را می‌توان در گروه‌های استفاده کنندهٔ مواد دیگر، سایر گروه‌های سنی و حتی در بین زنان معتاد نیز انجام داد.

منابع:

۱ـ ابراهیمی، الف؛ موسوی، غ (۱۳۷۸). **"بررسی الگوی مقابله با استرس در معتادان خودمعرف مرکز تحقیقات و پیشگیری اعتیاد در اصفهان و مقایسه با گروه کنترل."** مقاله ارائه شده در چهارمین کنگرهٔ سراسری استرس دانشگاه علوم پزشکی ایران.

۲ـ بید برگ‌نیا (۱۳۷۷). **"بررسی و مقایسه ویژگی‌های شخصیتی افراد معتاد و غیرمعتاد"**. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

۳ـ حاجی‌پور، حسن (۱۳۸۱). **"بررسی نگرش‌های ناکارآمد، میزان استرس، راهبردهای مقابله با استرس در معتادان به مواد افیونی جویای درمان در مقایسه با افراد غیر معتاد"**. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. انستیو روانپزشکی تهران.

۴ـ حدیدی، مجتبی (۱۳۷۵). **"بررسی شیوه‌های مقابله و فشار روانی در همسران بیماران اسکیزوفرنیک در مقایسه با همسران خانواده‌های سالم شهر تهران"**. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

۵ـ حق‌شناس، حسن (۱۳۷۸). **"هنجاریابی آزمون شخصیتی نئو ـ فرم تجدیدنظر شده."** مجلهٔ اندیشه و رفتار سال چهارم، شمارهٔ ۴ بهار و تابستان ۱۳۷۸ ص ۴۶ـ۳۸.

۶ـ ساراسون، ابروین. جی؛ ساراسون، باربارا. آر (۱۳۷۳). **"روان‌شناسی مرضی،"** جلد دوم. ترجمهٔ دکتر بهمن نجاریان و همکاران تهران، انتشارات رشد.

۷ـ سموعی، راحله (۱۳۷۸). **"شیوه‌های مقابله با فشار روانی در معتادان و غیرمعتادان و تعیین رابطهٔ آن با عملکرد خانوادهٔ آنها"**. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

۸ـ شاه‌محمدی، اسحق (۱۳۷۵). **"بررسی استرس و شیوه‌های مقابله در مراقبین بیماران اسکیزوفرنیک مزمن و بیماران دیـالیز"**، پایـان‌نامـهٔ کارشناسـی ارشـد. دانشگاه علوم پزشکی ایران.

۹ـ طوفان، محمد؛ جوانبخت، مریم (۱۳۸۰) **"شیوه‌هـای مقابلـه و نگـرش‌هـای ناسالم در معتادان به موادمخدر و افراد سالم،"** مجله اندیشه و رفتار، سال هفـتم شمارهٔ ۱ و ۲ تابستان و پاییز ۸۰ ص ۶۲ـ۵۵.

Refrence

۱. carver, c. s, shiere, M.F & Weintrab, I.K. (۱۹۸۹). **"Assing coping stirategies a theoricaly based approach"**. Journal of personality and social psy chdooqy. Vol, ۵۶, N: ۲ pp: ۲۶۷=-۲۸۳.

۲. Endler, N.S & parker, I.D.A (۱۹۹A). "**Multid imentional assessment of coping critical evaluation**". Journal of personality and social psychology.۵۸, pp: ۸۴۴-۸۵۴.

۳. Fisher, L. A; Elias, I. W, Ritza, K (۱۹۹۸). "**predicting relapse to substance abuse as a function persondity dimentions**". Alcohol critical Experimental Reseach ۱۹۹۸ aug , ۲۲(۵): ۱۰۴۱-۷.

۴. Mann, Ls, Wise, T.N, Trinidad, A, kohanski R. (۱۹۹۵). "**Alexi thymia, affect recognition, and five factors of personality In substance abusers**". Percept M ot skills ۱۹۹۵ Aug: ۸۱ (I): ۳۵-۴۰.

۵. McCromick, R.A, Dow ad, E. T. Quirk, s, zegarra, I. H (۱۹۹۸). "**The relation of NEO personality– pi pgrformance tocopiuy styles"**. Patterns of use, and triggers for use among ittsburg **abusers**" .journal addict behaviour, ۲۳ (۴): ۴۹۷-۵۰۷.

۶. Rosental, T. L, Edward, N. B. Ackerman, B. T. Knott, D, H (۱۹۹۰). "**Substance abuse patterns reveal constratius person traits"**. J. substance abuse, ۲ (۲): ۲۵۵-۶۳.

۷. Suls,t,David.JP, Harrey, J. H (۱۹۹۶).“**Personality and coping**”. Three generation of research. I personality, ۶۴ (۴): ۷۱۱-۳۵.

۸. Zeindner, M & Endler, (۱۹۹۶). “**Handbook of coping: theory, Research Application”**. John wiley & sons.